

مهاجرت خاندان آل عصفور از بحرین به بوشهر و تأثیر آن بر تحولات سیاسی و اجتماعی- فرهنگی آن شهر در عصر قاجار

محمد منصوری مقدم^۱
فرشید لاری منفرد^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۹/۰۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۰/۱۷

چکیده

کلیدواژه

خلیج فارس؛ آل عصفور؛ بحرین؛ بوشهر.

مقدمه

یکی از خاندان‌های مهم و برجسته شیعی در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس به ویژه در مناطق بحرین، قطیف و الحساء خاندان آل عصفور بودند که توانستند در ابتدای قرن ۷ هـ.ق / قرن ۱۳ م. حکومتی محلی در آن نواحی تأسیس کنند. این حکومت نزدیک به یک قرن و نیم دوام آورد تا اینکه از اواسط قرن ۸ هـ.ق / قرن ۱۴ م. دچار زوال شد. بروز اختلافات داخلی بر سر حاکمیت در بین خاندان آل عصفور زمینه‌ی مداخله نیروهای خارجی نظیر طیبیان و ملوک هرمز را فراهم کرد؛ امری که در نهایت سبب بی‌ثباتی سیاسی و فروپاشی حکومت آل عصفور گردید.

آل عصفور یکی از خاندان‌های بزرگ و برجسته شیعی بودند که پیش از این در بحرین زندگی می‌کردند ولی در سال ۱۲۱۶ هـ.ق / ۱۸۰۱ م. به علت بی‌ثباتی و ناامن شدن شرایط زندگی در آن نواحی و به روایتی به دعوت فتحعلی‌شاه قاجار به بوشهر مهاجرت کردند. وجود پرشمار علما و روحانیون فرهیخته در بین افراد این خاندان، سبب‌ساز خدمات برجسته علمی و مذهبی بسیاری در بوشهر شد. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، پژوهش میدانی و شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع می‌پردازد که مهاجرات خاندان آل عصفور از بحرین به بوشهر چه تأثیری بر ساخت سیاسی و بافت اجتماعی- فرهنگی این شهر داشته است. نتایج نشان می‌دهد که اعضای این خاندان در تحولات اجتماعی و فرهنگی شهر بوشهر در عصر قاجار نقش مؤثری ایفا کرده و سبب تقویت جایگاه شیعیان در این شهر شدند.

در هنگام قدرت‌نمایی پرتغالی‌ها در خلیج فارس و بحرین و همچنین به دلیل مصائب و مشکلات پیش آمده ناشی از تعرضات مذهبی خوارج، تعداد زیادی از

۱. استادیار روابط بین‌الملل گروه تاریخ، دانشگاه خلیج فارس بوشهر
(نویسنده مسئول). mansorimoghdam@pgu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه تهران.
Farshid.lari.th@gmail.com

بررسی و شناخت تاریخ خاندان آل عصفور و مجموعه اقداماتی که از سوی افراد منتسب به این خاندان انجام گرفته است، می‌تواند نقش مهمی در شناخت تاریخ محلی بوشهر و بحرین داشته باشد. لذا هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش خاندان آل عصفور بحرین در تحولات اجتماعی- فرهنگی و سیاسی شهر بوشهر در دوره قاجار است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پژوهش میدانی به بررسی این موضوع می‌پردازد.

از آنجا که متغیر وابسته این پژوهش، تحولات سیاسی و اجتماعی- فرهنگی شهر بوشهر است، لازم است که در ابتدا شرح مختصری از موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی این شهر ارائه شود.

۱. موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی شهر بوشهر

شهر بوشهر با مساحتی بالغ بر ۳۰/۹ کیلومتر مربع در غرب استان بوشهر در رأس شبه جزیره‌ای باریک و صدفی، بین ۲۸ درجه و ۵۹ دقیقه و ۷ ثانیه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ قرار دارد (افشار، ۱۳۷۶: ۴۰۱). بندر بوشهر به عنوان مهم‌ترین و قدیمی‌ترین بخش استان بوشهر، در شبه جزیره کوچکی قرار دارد که از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد یافته است (همان: ۱۲).

اگرچه نام بوشهر تا اواخر دوره صفویه چندان شناخته شده نبود، ولی این بندر قدمتی دیرینه دارد به طوری که پیشینه تاریخی و فرهنگی آن را تا سال ۲۲۰۰ ق.م دانسته‌اند. بندر بوشهر در واقع جایگزین بندر باستانی ریشهر (در فاصله ۱۲ کیلومتری جنوب شهر بوشهر) گردیده است. (فرصت الدوله شیرازی، ۱۳۶۲: ۲۱۰) ریشهر نیز خود تجلی‌گاه درخشانی از فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی کهن چون عیلام (۲۲۲۵ ق.م تا ۶۴۵ ق.م) بوده است. (دستی، ۱۳۷۸: ۱۱)

افراد این خاندان به دیگر نواحی خلیج فارس از جمله شهر بوشهر مهاجرت کردند. بدون تردید، حضور این خاندان که در بینشان افراد برجسته و صاحب‌نظری در مسائل دینی وجود داشتند، در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهر بوشهر بی‌تأثیر نبوده است. بنابراین، سؤالی که در این مقاله پیش روی نویسندگان قرار دارد، این است که مهاجرات خاندان آل عصفور از بحرین به بوشهر چه تأثیری بر ساخت سیاسی و بافت اجتماعی- فرهنگی این شهر بر جای گذاشته است؟

هرچند در خصوص تاریخ خاندان آل عصفور در بعضی از کتاب‌هایی که به تاریخ بوشهر پرداخته‌اند، مطالبی به صورت مختصر بیان شده، اما این موضوع از منظر نقش خاندان آل عصفور در تحولات سیاسی و فرهنگی خلیج فارس به صورت مستقل مورد پژوهش قرار نگرفته است. مهم‌ترین اثری که در این خصوص نگاشته شده، کتاب ارزشمند «فرهنگ‌نامه بوشهر» (۱۳۸۰) اثر سید جعفر حمیدی است که ضمن معرفی خاندان آل عصفور در بوشهر به برخی کتاب‌ها و آثار مکتوب شخصیت‌های برجسته این خاندان اشاره کرده است. همچنین کتاب «یادگارنامه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمد حسن نبوی» (۱۳۸۲) تألیف سیدقاسم یاحسینی و عبدالکریم مشایخی نیز اطلاعاتی مختصر از علما و مشایخ آل عصفور در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. نکته مهم و آشکار در همه این آثار، عدم توجه کافی به تأثیر مهاجرت خاندان آل عصفور بر تحولات سیاسی، اجتماعی- فرهنگی بوشهر بوده است.

بنابراین، فرضیه نوشته حاضر این است که «مهاجرت خاندان آل عصفور از بحرین به بوشهر در عصر قاجار سبب تقویت جایگاه شیعیان در بافت اجتماعی- فرهنگی و ساخت سیاسی شهر بوشهر گردیده است.»

صاحب السداد داستان مشهوری است که شرح حال نویسان نقل کرده‌اند که وی حافظه‌ای بسیار قوی داشته است. از این رو بعید است که منظور از عصفور همان پرنده کوچک گنجشک باشد؛ زیرا در نزد عرب رسم بر آن بوده است که اسامی قهرمانان، مبارزان و افراد صاحب جرئت و جسارت را بر فرزندان ذکور خود اطلاق نمایند؛ نه نام‌های خرد و کوچک که حاکی از خفت و خواری باشد و این عادت، رسم و قانونی ثابت در زندگی اجتماعی عرب‌ها بوده است و با دگرگونی احوال و گذر روزگار و برخورد با دشمنان تغییری نمی‌کرده است. ضمن اینکه معروف است اولین کسی که به این اسم خوانده شده، از رهبران و اشراف قبیله و دلاوری نستوه بوده است (طراده، ۲۰۰۸: ۲۱).

با آغاز قرن ۷ هـ.ق / ۱۳ م. حکومت قدرتمندی که زمام امور بحرین و یمامه را در اختیار داشت، افرادی از قبیله «عامر بن عقیل» بودند که عیونی خوانده می‌شدند. نسب این افراد به «عقیل بن کعب بن ربیع بن عامر بن صعصعه» می‌رسید که از اعراب عدنانی به شمار می‌رفتند (همان: ۲۲). هم‌زمان با ضعف حکومت عیونی در تأمین امنیت و ثبات منطقه احساء، بزرگان و شخصیت‌های پرنفوذ این ناحیه با همکاری یکدیگر امیر عیونی را عزل و امارت این ناحیه را به پیشوای دینی بنی‌عامر یعنی «عصفور بن راشد» واگذار کردند. شیخ عصفور بن راشد حکومت منطقه احساء را در سال ۱۲۲۳ م. / ۶۲۰ هـ.ق به دست گرفت و سپس در سال ۱۲۳۸ م. / ۶۳۶ هـ.ق به تدریج دامنه نفوذش به بحرین نیز کشیده شد (شاکر، ۲۰۰۳: ۱۵۶ و ۱۵۷). نزدیک به یک قرن و نیم حاکمیت این نواحی در اختیار امرای عصفوری بود (قمر، ۱۳۹۶: ۴۳) و آنها روابط استوار و پیوندهای سیاسی مستحکمی با حکومت‌های اطراف خود برقرار کردند و با سلغریان فارس، ممالیک مصر، مغولان عراق و ایران، خاندان طیبی فارس و جزیره کیش و همچنین ملوک هرمز روابط سیاسی و اقتصادی داشتند (طراده، ۲۰۰۸: ۲۵).

بر اساس پژوهش‌های انجام شده، سنگ بنای تمدن بوشهر به زمان عیلامی‌ها برمی‌گردد. مطابق نقش کتیبه‌های عصر عیلامی که در سال ۱۹۱۳ م. / ۱۳۳۲ هـ.ق در پی خاک‌برداری هیئت باستان‌شناس فرانسوی در محلی به نام تل پی تل^۱ به طور اتفاقی به دست آمد، در آن زمان این نقطه را لیان^۲ می‌نامیدند. لیان نام عیلامی است و به روایتی به معنی سرزمین آفتاب درخشان است. بوشهر در آن دوره از مراکز فرهنگی و تجاری به شمار می‌رفته و شهر تاریخی لیان پل ارتباطی مردم آن دیار با نواحی اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا بوده است (قربانی، ۱۳۸۸: ۳).

۲. تبارشناسی خاندان آل عصفور و نقش سیاسی آنان در بحرین و یمامه

تاریخ خاندان آل عصفور به روزگار پیش از قرن ۱۳ م. / ۷ هـ.ق برمی‌گردد. در آن زمان شخصی به نام عصفور، خاندانی پایه‌گذاری کرد که عصفوریه نامیده شدند. البته بر این خاندان اسامی دیگری نیز اطلاق می‌شده است که از آن جمله می‌توان به آل عصفور، عصفور، عصفوری، عصفوره، حدائقی، بن عصفور، بن یوسف، بنی عصفور اشاره کرد. همچنین به دلیل اینکه در «دراز» از روستاهای بحرین در نزدیکی منامه یا در «شاخوره»، روستای همجوار آن زاده شده یا زندگی کرده‌اند، به «درازی» و «شاخوری» نیز شهرت یافته‌اند.

کتاب صحاح الغته و بسیاری دیگر از فرهنگنامه‌ها معانی متعددی را برای واژه عصفور ذکر کرده‌اند که یکی از آن معانی، «مغز گنجشک» است و مراد از مغز، حافظه است و در اصطلاح به کسانی اطلاق می‌شده که از حافظه قوی برخوردار بوده‌اند. از آنجا که جد این خاندان دارای حافظه قوی بوده است، به این نام خوانده شده‌اند؛ زیرا هر چه را که می‌خوانده و می‌شنیده، حفظ کرده و بیشتر افراد این خاندان نیز همین‌گونه بوده‌اند. آنچه‌ان که در مورد علامه شیخ حسین آل عصفور،

1. tol pay tol
2. lyan

نصفی از اهالی بحرین در اثر ستمگری و سوء رفتار او به نواحی جنوبی ایران فرار کردند که مشایخ آل عصفور و بحرانی‌ها که هنوز اعقاب آنها در بوشهر، دشتی و دشتستان اقامت دارند از معاریف و سرشناسان ایشان بودند» (خجسته، ۱۳۳۸: ۴۰ و ۴۱).

شیخ حسن آل عصفور در بحرین موقعیت ویژه‌ای داشت؛ به طوری که هم‌زمان با شورش طایفه عتوبیه در بحرین و آغاز هرج و مرج و ناامنی در آن ناحیه، مردم نزد شیخ حسن زبان به گلایه و اعتراض گشودند و از او خواستند که چاره‌ای بیندیشد. شیخ حسن نامه‌ای به حاجی میرزا و نامه‌ای دیگر به شاهزاده معتمدالدوله نوشت، بدین مضمون که:

«همه اوقات از قدیم‌الایام ولایت بحرین جزو ممالک ایران و محکوم به حکم قوی بنیان بوده اهالی بحرین گرفتار بی‌عدالتی طایفه عتوبیه می‌باشند. در اواخر دولت خان مرحوم به فرمانروائی آن مرحوم، مقرر در استخلاص طایفه صالحه بحرین و تسخیر و نظم این ولایت شد ولیکن فرمانروا به دفع الوقت گذرانید؛ احمدالله شاهنشاه جهان پناه، با قدرت و شوکت هستند نوعی بفرمایند که مملکت وسیع مستخلص شود و جمیع کثیر داخل خدمتگزاران شوند و این طایفه عتوبیه بسیار ضعیف هستند به اندک توجه این امر منتظم خواهد شد» (اسناد بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر، ۴۷۶، برگه ۴).

البته در آثار دیگری نظیر کتاب *البحرین علت حرکت شیخ حسن آل عصفور از بحرین به بوشهر ظلم و جور پرتغالی‌ها دانسته شده است:*

«پرتغالی‌ها چون که بر بحرین دست یافتند ظلم و جور و فشار را بر مردم روا داشتند و در این امر بیش از حد تصور، فساد و تباهی برآوردند تا آنجا که درنگ و ادامه زندگی مشکل شد. به ناچار عده زیادی خانه و دیار را به قصد اماکن دوردست ترک گفتند. در این اوان یعنی سال ۱۲۱۶ ه.ق یکی از علمای بحرین اوضاع و احوال بحرین و روزگار خراب و درهم و برهم شیعیان را به حکومت بوشهر که شیخ عبدالرسول خان آل مذکور بود، نوشت. شیخ عبدالرسول خان نیز جریان را به اطلاع حکومت فارس گزارش داد. اما متأسفانه به سبب خرابی دستگاه و از هم پاشیدگی، کسی جواب نداد. شیخ حسن با عده‌ای از خویشان و کسانش در همین تاریخ به بوشهر آمد و متوطن گشت» (باحسینی و مشایخی، ۱۳۸۲: ۴۸).

حکومت آل عصفور نزدیک به یک قرن و نیم ادامه داشت تا اینکه از اواسط قرن ۸ ه.ق / قرن ۱۴ م. نشانه‌های زوال آن به علت بروز نزاع و اختلاف بر سر حاکمیت در بین خاندان آل عصفور آشکار شد. این نزاع و اختلاف سبب توجه آنها به حکومت‌های مجاور به منظور کسب حامی خارجی شد و همین امر منجر به افزایش نفوذ و مداخله نیروهای نظیر طیبیان و ملوک هرمز در امور داخلی حکومت آل عصفور گردید که در نهایت به بی‌ثباتی سیاسی و فروپاشی آن انجامید. زان پس، آن سرزمین زیر نظر ملوک هرمز قرار گرفت و قبیله بنی عامر مجدداً بر تجارت و حیات اقتصادی آن سیطره پیدا کردند (شاگرد، ۲۰۰۳: ۱۵۷ و ۱۵۸).

۳. مهاجرت خاندان آل عصفور از بحرین به بوشهر

در عصر سلطنت فتحعلی شاه قاجار، فرقه ضالّه خوارج با عناد و بغض و عداوتی که نسبت به حضرت امیرالمؤمنین و دیگر ائمه شیعه علیهم‌السلام داشتند در بحرین شیعیان را مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند. به خصوص نسبت به علمای شیعه اعمال کینه و دشمنی بیشتر می‌کردند و از هرگونه آزار، شکنجه و بدرفتاری درباره آنان کوتاهی نداشتند؛ به طوری که امکان سکونت و ادامه زندگی برای فقها و بزرگان علم و تقوی در بحرین ناممکن شد. به همین جهت چند خانواده از وطن خود مهاجرت کردند. از جمله شیخ حسن فرزند شیخ حسین آل عصفور به سال ۱۲۱۶ ه.ق به بوشهر مهاجرت کرد و خاندان مشایخ آل عصفور در بوشهر و بعضی نقاط از نسل شیخ حسن هستند (باحسینی، مشایخی، ۱۳۸۲: ۵۸). البته در کنار آزار و اذیت خوارج نسبت به شیعیان باید به قدرت‌گیری خاندان آل عتوب در بحرین نیز اشاره کرد آنچنان که مصطفی خجسته در کتاب *بحرین در دو قرن اخیر* در این خصوص آورده است:

«در سال ۱۲۴۳ ه.ق احمدبن سلمان آل خلیفه که پس از پدر با مشارکت برادران حکومت می‌کرد و مردی ظالم بود، درگذشت و شیخ خلیفه برادر او به طور مستقل به امارت پرداخت. شیخ عبدالله آل خلیفه بر او خروج کرد ولی توفیقی نیافت. در زمان امارت شیخ احمد، قریب

که مورخین و ادیبان آورده‌اند، وی یکی از علمای بنام و جزو محدثین بزرگ بوشهر در قرن ۱۳ هـ.ق محسوب می‌شده است. سید جعفر حمیدی، ادیب و مورخ بوشهری، در کتاب مهم و پرارزش فرهنگنامه بوشهر دربارهٔ شیخ حسن آل عصفور نوشته است:

«شیخ حسن از بزرگ‌ترین دانشمندان و علمای علم حدیث، نحو، لغت و اصول بود که این علوم را نزد پدر دانشمند خود شیخ حسین فرا گرفته بود. او را فرید زمان و وحید دوران در علم و دانش گفته‌اند و در طول حیاتش به بسیاری از علمای بزرگ اجازه اجتهاد داده است. فراوانی آثار و مصنفات شیخ حسن آل عصفور نشانگر عظمت و علو مقام اوست. از آثار او آنچه برجای مانده است، عبارتند از: ۱- شرح بر جزوه‌ای که پدرش شیخ حسین در علم کلام نوشته است. ۲- رساله‌ای در علم فقه ۳- پاسخ به پرسش‌های رسیده» (حمیدی، ۱۳۸۰: ۴۳)

شخصیت علمی و دینی شیخ حسن آل عصفور چنان بوده است که برخی از بزرگان دینی با الفاظ و مضامین رسا به توصیف آن پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، میرزا محمد نیشابوری در وصف شیخ حسن آل عصفور گفته است:

«زبان زمان و بزرگ دوران جدا شده از مسائل دنیوی و متصل به سبحات الهی، عارف ربانی، فقیه صمدانی، شیخ حسن بن شیخ حسین آل عصفور که مرا در نقل حدیث اجازه فرمود و او از پدرش و او از عمویش شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق اجازه روایت داشتند. هر کس کتب و مصنفات کثیره و تحقیقات اینان را بنگرد، بر مقام و مدارج علمی ایشان اطلاع می‌یابد و آثار گران‌بهایشان را می‌ستاید و من خود در اصفهان خدمت ایشان رسیدم» (اسناد بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر، ۴۷۶، برگه ۵).

همچنین صدرالدین حسینی معتقد است: «از جمله مشایخ علمای آل عصفور شیخ حسن فرزند علامه شیخ حسین آل عصفور است. علامه دهر و ناموس عصر از بزرگان و فضلا و مشاهیر علماست. عارف به نحو، لغت، اصول و جامع معقول و منقول؛ شیخ حسن آل عصفور که نزد پدرش علامه شیخ حسین آل عصفور تعلیم دید سپس به بوشهر مهاجرت کرد و بلاد عجم را مفتخر ساخت» (همانجا).

بنابراین، آنچنان که از این نوشته‌ها برمی‌آید خاندان آل عصفور در زمان حکومت فتحعلی‌شاه قاجار و به علت وخامت اوضاع سیاسی و اجتماعی بحرین و الحساء به بوشهر مهاجرت کردند. اینکه این مسافرت چه تأثیری بر ساخت اجتماعی و سیاسی شهر بوشهر برجای گذاشته است، مطلبی است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۴. شخصیت و جایگاه علمی شیخ حسن آل عصفور و تأثیر آن بر ساخت سیاسی و اجتماعی- فرهنگی شهر بوشهر

شیخ حسن آل عصفور در روستای «دراز» بحرین متولد شد. او از کودکی علوم دینی و ادبیات عرب را نزد پدرش شیخ حسین آل عصفور - یکی از بزرگان علم فقه و حدیث در بحرین - فراگرفت و سپس برای تکمیل دانش خود در حوزه فقه اخباری^۱ نزد سایر دانشمندان این علم تلمذ کرد. خانواده شیخ حسن از عالمان دین بوده‌اند و با گرایش اخباری به ترویج و تبیین احکام اسلامی می‌پرداختند (عدنانی، ۱۳۹۷).

نسب شیخ حسن آل عصفور چنین است:

«شیخ حسن بن شیخ حسین بن شیخ محمد بن احمد بن ابراهیم بن احمد بن صالح بن احمد بن عصفور بن احمد بن عبدالحسین بن عطیه بن شیهه الدرازی بن امیر هلال بن امیر موسی بن امیر حسین بن امیر مانع بن امیر عصفور بن امیر راشد بن عمیره بن سنان بن غفیله بن شبانه بن عامر بن عوف بن عقیل بن کعب بن ربیع بن عامر بن صعصعه بن معاویه بن بکر بن هوازن بن سلیم بن منصور بن عکرمه بن خصفه بن عیلان بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان؛ جد نبی مکرم اسلام» (آل عصفور، ۱۳۷۹: ۳).

با مهاجرت شیخ حسن آل عصفور به بوشهر نه تنها از جایگاه علمی ایشان کاسته نشد، بلکه آنچنان

۱. اخباری یا اخباریگری روشی از علما شیعه است که در اقتباس احکام دین از منابع، فقط اخبار و روایات ائمه را به عنوان منبع مجاز می‌دانند.

۱۰. الفتاوی الحسنيه فی العلوم المحمدية: این کتاب یک بار توسط برخی از نوادگان شیخ حسن در قم و در ۲۰۰ صفحه به چاپ رسید.

۱۱. حاشیة علی التهنید: تهذیب کتاب حدیث معروف شیخ طوسی است که شیخ حسن آل عصفور شرحی بر آن نگاشته است.

۱۲. منظومة الکلام: منظومه‌ای در علم کلام که مسائل اعتقادی را به نظم در آورده است.

۱۳. شرح منظومة الکلام: که شرح کتاب فوق است.^۱

قطعاً، مهاجرت شخصیتی چنین مبرّز و آگاه به مسائل دین به شهر بوشهر، بر ساخت اجتماعی- فرهنگی آن شهر اثرگذار بوده است؛ آنچنان که مطالب زیر نشان می‌دهد.

۱.۴. مهاجرت شیخ حسن آل عصفور و ارتقای جایگاه شیعیان منطقه

شیخ حسن با ورود به بوشهر با خاندان آل مذکور مواجه شد. این خاندان در سال ۱۱۵۰ هـ.ق / ۱۷۳۷م. از ریشهر، آبادی نزدیک بوشهر، به بوشهر نقل مکان کردند و سبب توسعه و رونق آن شهر شدند. به دنبال تصمیم نادرشاه افشار در استفاده از بوشهر به عنوان پایگاه دریایی، این شهر مورد توجه بیشتر قرار گرفت و شیخ مذکور، رئیس طایفه آل مذکور، که در اجرای این طرح همکاری شایانی به عمل آورده بود، قدرت قابل توجهی به دست آورد (وثوقی، ۱۳۹۰: ۳۳۰). با ورود خاندان عالم و شیعی مذهب آل عصفور به بوشهر مقدار قابل توجهی از قدرت خاندان آل مذکور کاسته شد؛ به طوری که سدیدالسلطنه کبابی که خود مورخ و سیاح جنوبی بوده است و در بوشهر رشد و نمو علمی پیدا کرده در این باره نوشته است:

۱. مشخصات عمومی بانک فرهیختگان و مشاهیر بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر.

بنابراین، شیخ حسن آل عصفور از مشاهیر و بزرگان دینی بوده است که علاوه بر تربیت عالمان دینی، آثار مکتوبی نیز از خود به جای گذاشته است که در کتاب *اعیان الشیعة* به قرار زیر اشاره شده:

«۱. رساله عملیه مبسوطی در طهارت و صلاه ۲. مناسک حج ۳. رساله‌ای در احکام و روزه ۴. شرح اصول پنجگانه شیخ حسین آل عصفور» (عاملی، بی تا: ۱۱۲).

با توجه به اینکه شیخ حسن از علمای اخباری مسلک بحرینی بوده، غالب تألیفات او با رویکرد اخباری و حدیثی بوده است. برخی دیگر از آثار او عبارتند از:

۱. الفوائد: این کتاب به سبک کتاب *فوائد المدنیة* ملازمین استرآبادی نوشته شده است. وی کتابش را در شیراز به تاریخ ۱۲۴۰ هـ.ق نگاشته است.

۲. *ارجوزة فی الاجتهاد و الاخبار*: این کتاب در کتابخانه خانوادگی آل عصفور یعنی مجلسی شیخ حسن در بوشهر وجود داشته که بعدها از آنجا خارج شده است.

۳. مناسک حج: شیخ حسن در این کتاب فتاوی خود را در مورد حج بیان داشته است.

۴. شرح *شارحة الصدور و رافعة المحذور*: این کتاب در علم کلام نوشته و به خط یکی از شاگردان شیخ حسن در مجلس شیخ حسن بوده است.

۵. رساله‌ای در احکام: در این رساله شیخ حسن فتاوی فقهی خود را مطرح کرده است.

۶. رساله عملیه: این کتاب همچون توضیح المسائل بوده است.

۷. *اجوبة المسائل الدهلکیه*: شیخ در این کتاب به پرسش‌هایی که از او شده، پاسخ داده است.

۸. رساله عملیه: کتابی دیگر از شیخ حسن احتمالاً به بعضی ابواب فقه پرداخته است.

۹. *اجوبة المسائل بعض البلدان*: مجموعه سؤالاتی است که مردم از شهرهای مختلف به بوشهر می‌فرستادند و شیخ حسن آل عصفور به آنها پاسخ داده است.

مردم فرمانروا ساختهم او را بر تمام شما فرمانروا گردانیدم. اگر شهر شما از تجاوز مصون نیست، میل ندارم در آنجا توقف کند. بعلاوه که مردم پایتخت به وجود او احتیاج دارند، اما درباره بحرین به حاکم فارس امر کردیم که آن را از دست متجاسرین بازستاند» (یاحسینی و مشایخی، ۱۳۸۲: ۴۸-۴۹).

۳.۴. نقش شیخ حسن آل عصفور در مبارزه علیه دولت انگلستان

لازم به توضیح است که نقش شیخ حسن آل عصفور تنها در حوزه مسائل دینی و مذهبی نبوده است، بلکه ایشان در صورت لزوم به مسائل سیاسی نیز ورود پیدا می‌کردند. مخصوصاً زمانی که پای عزت و آبروی مسلمین در میان بوده است. آنچنان که مورخین آورده‌اند یکی از اقدامات شایسته آل عصفور مقابله با حضور انگلیسی‌ها در بوشهر و مقابله با خودسری‌های آنها بوده است. توضیح اینکه، در سال ۱۸۳۸م. / ۱۲۳۶ هـ.ق انگلیسی‌ها به بهانه تصرف هرات توسط محمدشاه بنای تصرف بوشهر را داشتند. بدین منظور قوای انگلیسی بمبئی را به قصد تصرف جزیره خارگ ترک کرد. میرزا حسن فسائی در کتاب *فارسنامه ناصری* به شرح چگونگی این واقعه و نقش شیخ حسن آل عصفور در صدور فتوای جهاد علیه انگلیسی‌ها اشاره می‌کند:

«در میانه از فارس خبر رسید که جهازات جنگی دولت بهیه انگلیس داخل خلیج فارس گردید و یک فروند کشتی آنها در برابر بوشهر آمد و پانصد نفر سرباز از کشتی پیاده شد، در کوتی که خانه بالیوز انگلیس است، منزل نمودند و جناب شیخ حسن مجتهد آل عصفور و شیخ برادرزاده آن جناب و باقرخان تنگستانی، با اهالی بوشهر ازدحام نموده، تمامی سربازها و بالیوز را از شهر اخراج نمودند و چندین نفر از طرفین کشته گشت. پس انگلیس، جزیره خارگ را تصرف نمودند و سردار آنها گفته اگر سپاه ایران از تسخیر هرات دست بردارد تمامی سواحل فارس، بلکه تمامی مملکت فارس را تصرف خواهیم کرد» (حسینی فسائی، ۱۳۶۷: ۷۷۶).

انگلستان بعد از این ناکامی دوباره تصمیم گرفت که به بوشهر حمله و شکست پیشین را تلافی کند. از اینرو، «هنل» که فرماندهی ارتش بریتانیا را برعهده داشت، درخواست

«امروز از حاج شیخ محمد امام جمعه دیدن نمودم. امام جمعه، فرزند مرحوم شیخ ابراهیم آل عصفور در سال ۱۲۵۷ ق به دنیا آمد. تقریباً پانصد سال است که وجاهت فقاقت در آن خانواده سیر می‌کند. مرحوم شیخ حسن رئیس‌السلسله در سلطنت ... [فتحعلی شاه قاجار] از بحرین به بوشهر آمد و در حقیقت ترقیات بوشهر از آن زمان شروع شد و شیخ حسن تقویت زیاد از دولت نمود و از اقتدار مشایخ آل مذکور که حکومت و مال رقاب بوشهر بودند زیاد کاست و قریب به انقراض رسانید» (سدیدالسلطنه، ۲۰۱۵: ۹ و ۱۰).

یاحسینی و مشایخی در کتاب *یادگارنامه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمدحسن نبوی درباره تأثیر مهاجرت شیخ حسن آل عصفور در برهم زدن توازن مذهبی بوشهر* می‌نویسند:

«شهر بوشهر از آغاز تکوین تاریخی‌اش شهر سنی‌نشین بوده است. خاندان آل مذکور، اولین حکمران سنتی بوشهر، همگی از سنیان شافعی مذهب بوده‌اند (اغلب سنی‌های بوشهر و جنوب ایران شافعی مذهب هستند). تنها با ورود شیخ حسن آل عصفور در سال ۱۲۱۶ هـ.ق / ۱۸۰۱م. از بحرین به بوشهر و مجاهدت و تلاش‌های او بود که شیعیان در این بندر از اقلیت به درآمده و در اندک زمانی اکثریت شهر را به خود اختصاص دادند» (یاحسینی و مشایخی، ۱۳۸۲: ۳۰۷).

۲.۴. نامه فتحعلی‌شاه قاجار به حاکم بوشهر

بعد از ورود شیخ حسن آل عصفور به بوشهر خبر این مهاجرت به دربار قاجار رسید و فتحعلی‌شاه قاجار برای عبدالرسول‌خان حاکم بوشهر نامه‌ای نوشت که در آن سفارش به تعظیم و تکریم شیخ حسن آل عصفور می‌کند. متن نامه چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. معتمد السلطان شیخ عبد الرسول‌خان، تشریف‌فرمائی شیخ بزرگوار شیخ محمدحسن آل عصفور به شهر شما نشانه سعادت و توفیقی است که بدان بهره‌مند شده‌اید. زیرا ایشان پیشوای این ملت و شریک این دولتند. سالانه مبلغ پانصد تومان درباره آن جناب مقرر داشتیم. این وظیفه من است نسبت به ایشان. اما آنچه که تو باید خود را بدان موظف بدانی، او را گرمی دار و موقعیتش را با عظمت نگهدار همچنان که تو را بر

۴.۴. نقش مذهبی شیخ حسن آل عصفور در داوری و رفع تظلم از مردم

یکی از اقدامات مؤثر شیخ حسن آل عصفور در بوشهر اداره مسجد جمعه بوشهر و ساخت مجلسی جهت رسیدگی به امورات مردم و داوری و رفع تظلم بین آنها بوده است.

مسجد جمعه بوشهر

مسجد جمعه طبق گفته مورخان در سال ۱۰۱۷ ساخته شد و تا قبل از سال ۱۱۷۳ از طرف افراد دیگری در آن اقامه نماز می‌شد (عدنانی، ۱۳۹۷). عبدالحسین کنین در مقاله «مسجد جامع بوشهر (مسجد جمعه) نشانی از قدمت و عظمت بوشهر» درباره این مسجد نوشته است:

«آنگونه که از روایات حاصل می‌شود این مسجد به وسیله شیوخ عرب اهل بوشهر، بنا شده و در اصل مسجد جامع اهل سنت بود. اما از سال ۱۲۱۶ ه.ق که مرحوم آیت‌الله شیخ حسن آل عصفور که در بحرین بود، پس از شهادت پدرش به دست انگلیسی‌ها، با دعوت‌نامه فتح‌علی‌شاه قاجار به بوشهر آمده و در این مسجد، نماز جماعت برقرار می‌کند. از این پس مسجد در اختیار شیعیان قرار می‌گیرد. آیت‌الله شیخ حسن، دو باب منزل در جوار مسجد- در سمت غرب آن- که به نام مجلسی معروف است، خریداری می‌کند و برحسب وصیت، ایشان در همین خانه دفن می‌شود» (کنین، بی‌تا: ۸۳).

بعد از وی، شیخ احمد، شیخ خلف، شیخ عبدالعلی، شیخ محمد و بعد از شیخ محمد، دامادش شیخ محمدعلی امور امامت مسجد را برعهده گرفتند. پس از وفات شیخ محمدعلی در سال ۱۳۱۰، دامادش سیدهاشم عدنانی که از خاندان آل عدنان بود امامت و امور مسجد را برعهده گرفت و پس از وی فرزندش سیدمحمدتقی عهده‌دار امور مسجد شد. با رحلت سیدمحمدتقی در سال ۱۳۶۲، هم‌اکنون امور دینی مسجد توسط سیدابوطالب عدنانی فرزند مرحوم سیدهاشم انجام می‌گیرد (عدنانی، ۱۳۹۷).

مجلسی شیخ حسن آل عصفور

مجلسی، خانه قدیمی امام جمعه بوشهر، شیخ حسن آل عصفور (وفات ۱۲۶۱ ه.ق) و جانشینان بعد از او بود. در

نیروی بیشتری کرد و انگلیس هم «آدمیرال میتلند» را با ناو جنگی «ولزلی» رهسپار خلیج فارس کرد و آنها به لنگرگاه بوشهر وارد شدند. روزی که ناو انگلیس می‌خواست وارد بوشهر شود، یکی از سربازان ایرانی ممانعت کرد و همین مسئله باعث زد و خورد بین سربازان شد. سرانجام «هنل» که همه وقایع را از چشم شیخ حسن آل عصفور می‌دید، پیغام داد تا جلوی سربازان و مردم بوشهر را بگیرد و تهدید کرد که اگر جلوی مردم بوشهر را نگیرد، انگلستان اقدامات دیگری می‌کند. شیخ بعد از این ماجرا دستور آتش بس صادر کرد (کلی، ۱۳۷۳: ۴۵).

صدور فتوای جهاد توسط شیخ حسن آل عصفور و پیروی مردم از او جهت مبارزه با نیروهای انگلیس و همچنین متوسل شدن فرمانده انگلیسی به شیخ جهت اعلان آتش بس، خود گواهی روشن بر جایگاه و مقبولیتی است که وی نزد آحاد مردم داشته است.

همچنین در دسامبر ۱۸۷۳ م. داروساز نمایندگی مقیم انگلستان در بوشهر با یک درویش محلی بر سر مسئله‌ای درگیر مشاجره شد. حاکم بوشهر خواست تا داروساز را برای محاکمه به قاضی بوشهر شیخ حسن آل عصفور معرفی کند. انگلیسی‌ها از این کار خودداری کردند و گفتند ما خودمان به دادرسی بین داروساز و درویش رسیدگی می‌کنیم که این امر با مخالفت شیخ حسن آل عصفور مواجه شد. شیخ حسن اصرار داشت که ایران یک کشور اسلامی است و درویش هم مسلمان است و انگلیسی‌ها در ایران باید تابع شرع و قانون ایران و اسلام باشند. بالاخره اهالی بوشهر به حمایت از مرجع دینی خود جلوی کنسولگری انگلیس تجمع کردند و خواستار تحویل داروساز انگلیسی شدند. با فرار سرکنسول انگلیس و اعتراض «مک نیل» سفیر انگلیس به دولت ایران این ماجرا ختم شد (اسناد بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر، ۴۷۶، برگه ۷).

سال ۱۲۶۰ هـ.ق در بوشهر وفات یافت و در خانه خودش که تا امروز به نام «مجلسی» خوانده می‌شود، به خاک سپرده شد. مزار وی که ضریح چوبی بر بالای آن است، زیارتگاه مشتاقان و صاحب‌دلان است (حمیدی، ۱۳۸۰: ۴۳). اما این حرکت دینی و مذهبی که با حضور ایشان در بوشهر آغاز گردید، خاموش نشده و کماکان توسط فرزندان، مریدان و شاگردانش ادامه دارد که در ادامه، به برخی از این مشاهیر اشاره می‌شود.

۴. ۵) دیگر روحانیون و نخبگان فرهنگی و دینی خاندان آل عصفور در بوشهر

شیخ خلف بن عبدالعلی آل عصفور فقیه، متکلم، محدث و نویسنده است. وی در بحرین زاده شد و سپس به بوشهر رفت و تا آخر عمر آنجا ماند. وی نزد عمویش شیخ یوسف درس خواند و در سال ۱۲۰۸ هـ.ق از دنیا رفت (بجنوردی، بی تا: ۷۲). عبدالکریم مشایخی در کتاب *مدرسه سعادت بوشهر از چند زاویه*، پس از ذکر اسامی استادان و معلمان مدرسه سعادت از بدو تأسیس تا مدت شانزده سال می‌نویسد: «آقای شیخ عبدالعلی آل عصفور به عنوان معلم فارسی، چهار سال در آنجا اشتغال داشته که با کمال شوق و عقیده و ایمان تدریس می‌کردند و نونهالان وطن را تربیت می‌کردند. همچنین او اولین مدیر و مؤسس مدرسه به سبک جدید در بندرعباس محسوب می‌شود» (مشایخی، ۱۳۷۸: ۳۰ و ۳۱).

عبدالعلی، فرزند شیخ خلف پس از درگذشت پدر به امامت جمعه و جماعت بوشهر منصوب شد. او نیز تمام عمر به نشر حدیث و فقه اشتغال داشت. از آثار او شرح *مبادی الوصول الی علم الاصول* است. این کتاب در پنجم صفر ۱۲۸۸ هـ.ق در بوشهر به خط «محمد بن احمد رایانی ری شهری» تحریر یافته است. شیخ عبدالعلی در سن هشتاد سالگی درگذشت (۱۳۰۳ هـ.ق).

بوشهر هنوز هم به اتاق بزرگ پذیرایی، مجلسی می‌گویند. مجلسی مرحوم آل عصفور خانه‌ای است دو طبقه از سنگ و ساروج و چندل (تیر چوبی) که در صحن طبقه زیرین، دخمه و آرامگاه شیخ حسن، یک سالن طویل و چند اتاق قرار گرفته است. در ایام عاشورا و روزهای متبرکه در این سالن و در کنار مقبره، مراسمی برپا می‌شود. طبقه بالایی شامل اتاق‌های پنج دری، سه دری و راهروها است که دفتر امام جمعه در این اتاق‌ها بود و کتاب‌های کتابخانه نیز در همین جا نگهداری می‌شد. از زمان شیخ حسن آل عصفور تا زمان مرحوم سید هاشم عدنانی و فرزندش مرحوم سید محمدتقی عدنانی، امامان جمعه بوشهر محضر و محکمه کارشان در طبقه فوقانی این مجلسی قرار داشت. مرحوم شیخ حسن آل عصفور، بنا به علاقه خاصی که به مرحوم محمدباقر مجلسی، محدث بزرگ شیعه داشت، نام این ساختمان را مجلسی گذاشته است. در بوشهر اتاق بزرگ یا تالار پذیرایی را مجلسی مشتق از مجلس می‌گویند. درب ورودی چوبی و بزرگ مجلسی آل عصفور به طرف جنوب میدان و تقریباً نزدیک مسجد جمعه باز می‌شود که به فاصله چند قدم جلوتر در دست چپ مسجد جمعه و جماعت قدیم بوشهر قرار دارد که سال‌های سال مشایخ آل عصفور و سادات عدنانی در این مسجد نماز اقامه کرده‌اند (حمیدی، ۱۳۸۰: ۴۸).

سید ابوطالب عدنانی امام جماعت مسجد جمعه بوشهر که به خاندان آل عصفور تعلق دارد در مصاحبه‌ای که با نگارنده داشته درباره این مکان می‌گوید:

«در مجلسی بالغ بر صدها کتاب و سند خطی وجود داشته است که اکنون اثری از آنها نیست و در دهه شصت خورشیدی یکی از بازماندگان خاندان آل عصفور در بحرین به نام شیخ محسن آل عصفور که هم‌اکنون ریاست اوقاف جعفری بحرین را برعهده دارد، به بوشهر آمده و همه آثار به جا مانده را به آستان قدس رضوی منتقل کرد» (عدنانی، ۱۳۹۷).

شیخ حسن آل عصفور پس از سال‌ها نشر علم در

در آورد. این مختصری از احوال و گذشته من است. من با همه کم‌دانشی و بی‌مایگی در علوم مختلف، توفیق تألیف کتب و رسائلی چند در علوم مختلف یافتم: ۱. رساله جلاء الضمیر فی انتصار ابن عامر ۲. کتاب تحف الخواص فی شرح سورة الارض ۳. جواهر الالفاظ و کمال الوعاظ مشتمل بر سه مجلد ۴. الکلیات آل عصفور مشتمل بر ۴۰ مجلد ۵. کشف الاساس ۶. شرح دعاء السمات ۷. کتاب المکاتبات و الخطب در دو مجلد ۸. طبقات النجاة ۹. در السحابة ۱۰. شجرة الطیبة ۱۱. حاشیه‌ای بر الفیة ۱۲. کتاب شرح فاروق اللغات ۱۳. دقائق الحقائق ۱۴. الفوائد الجملیة ۱۵. لطائف الحکم ۱۶. کتاب الاختیارات ۱۷. کتاب الذخائر فی الجغرافیا البنادر و الجزائر (یاحسینی، ۱۳۷۴: ۲۵۳ و ۲۵۴).

وفات شیخ محمدعلی آل عصفور در سال ۱۳۱۰ هـ.ش روی داده است. با درگذشت وی، دامادش سید هاشم عدنانی وظیفه امامت جمعه و جماعت بوشهر را بر عهده گرفت (همان: ۴۵)

امیره آل عصفور نیز زن شاعره‌ای از خاندان آل عصفور است که اشعاری در رثای امام حسین (ع) سروده است. در کتاب شریف الذریعة الی تصانیف الشیعة تألیف «آقابزرگ طهرانی» در توضیح دیوان شعر «شیخ محمد آل عصفور» در ذیل توضیحاتش به دیوان شعری امیره آل عصفور نیز اشاره کرده است که وی دیوانی در رثای امام حسین (ع) در حدود سال ۱۲۶۰ هـ.ق سروده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۵۵: ۹۸۰).

نتیجه‌گیری

خاندان آل عصفور در نواحی جنوبی ایران به عنوان عناصری قابل اتکا در تحولات اجتماعی و فرهنگی شهر بوشهر نقش مؤثری ایفا کرده‌اند و در زمینه سیاسی، اداری و مذهبی نیز تأثیرگذار بوده‌اند و مشاغل و مناصب دولتی از جمله قضاوت و امامت جمعه را در نواحی جنوب ایران بر عهده داشته‌اند و با تألیف کتب متعدد در زمینه مسائل فقهی و مذهبی از جمله گروه‌های فعال

مقبره او پشت محراب مسجد جمعه و جماعت قدیم در میدان مجلسی واقع و متأسفانه امروز از دید ناظرین پنهان است (حمیدی، ۱۳۸۰: ۴۳).

خلف بن احمد (۱۲۸۵ هـ.ق / ۱۸۶۸ م.) عالم، نویسنده، فقیه و محدث در بوشهر زاده شد و پس از آموزش‌های مقدماتی در ۱۳۰۶ هـ.ق / ۱۸۸۸ م. به نجف مهاجرت کرد و در حوزه علمیه آنجا به آموختن سطوح عالی دانش‌های متداول آن روزگار پرداخت. او در درس عالمان و فقیهان بلندپایه حوزه نجف از جمله آخوند ملامحمد کاظم خراسانی شرکت کرد و در سال ۱۳۱۴ هـ.ق / ۱۸۹۶ م. به بوشهر بازگشت. در سال ۱۳۱۵ هـ.ق / ۱۸۹۷ م. پس از درگذشت پدرش به جای وی به امامت جمعه و جماعت و دیگر امور شرعی پرداخت. او نیز آثاری در فقه و کلام دارد (بجنوردی، بی‌تا: ۷۳).

شیخ محمدعلی، فرزند شیخ محمدتقی آل عصفور از بزرگ‌ترین مشایخ این خاندان و داماد شیخ محمد آل عصفور است که خاتم مشایخ آل عصفور و آخرین عالم و فقیه و محدث این خاندان در بوشهر بود. او از سال ۱۳۲۵ هـ.ق به امامت جمعه و جماعت بوشهر منصوب شد و تمام عمر با فضل و فضیلت زیست و به تألیف کتب و نشر علم پرداخت (بجنوردی، بی‌تا: ۴۴). شرح حالش از زبان خود او که در کتاب تاریخ بحرین نوشته است با ترجمه نقل می‌شود:

«تولد من به سال ۱۲۸۹ قمری اتفاق افتاد. در سال ۱۲۹۸ پدرم درگذشت. پس از او در کنار داماد جد مادریم شیخ عبدالعلی پرورش یافتم تا اینکه وی نیز سال ۱۳۰۳ وفات نمود. بعد از او بی‌سروسامان ماندم و چون پری که در مسیر وزش باد قرار می‌گیرد، دستخوش اضطراب و پریشانی گشتم. تا اینکه عنایات و تأییدات پروردگار مرا یار و مددکار گشت و دانشمند بزرگ شیخ محمد آل عصفور، پسر عمم مرا در کنف حمایت خود تربیت نمود و در خانه خود جای داد و دخترش را به کابین من

- شاکر، محمود. (۲۰۰۳ م). *موسوعة تاریخ الخلیج [فارسی]*. عمان: دار اسامه.
- طراده، محمود. (۲۰۰۸ م). *العقد الزاهر فی ترجمه الشیخ باقر*. قم: انتشارات دارالتفسیر.
- فتوت، مهدی. (۱۳۸۳). *رویاریوبی باقرخان تنگستانی با لشکرکشی‌های انگلیس به بوشهر*. انتشارات بوشهر.
- فرصت‌الدوله شیرازی، محمدنصیر. (۱۳۶۲). *آثار العجم*. به کوشش علی دهباشی. تهران: انتشارات هنر.
- قربانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). *تاریخ مدرسه سعادت بوشهر در یکصد سال اخیر*. بوشهر: انتشارات بوشهر.
- قمر، محمود احمدمحمد. (۱۳۹۶). *جایگاه بحرین در دریانوردی و تجارت دریایی (از صدر اسلام تا سقوط خلافت عباسی)*. مترجمین نعمت‌الله مقصودی، غلامرضا زائری. تهران: انتشارات گیوا.
- کنین، عبدالحسین. (بی‌تا). «مسجد جامع بوشهر (مسجد جمعه) نشانی از قدمت و عظمت بوشهر». *مجله علمی و آموزشی سیراف*. شماره ۱.
- مشایخی، عبدالکریم. (۱۳۷۸). *مدرسه سعادت بوشهر از چند زاویه*. بوشهر: مرکز بوشهرشناسی.
- یاحسینی، سیدقاسم. (۱۳۷۴). *مطبوعات بوشهر رکن اساسی در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران*. بوشهر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر.
- یاحسینی، سیدقاسم و مشایخی، عبدالکریم. (۱۳۸۲). *یادگارنامه حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سیدمحمد حسن نبوی*. بوشهر: انتشارات بوشهر.

مصاحبه

- عدنانی، سیدابوطالب. (۱۳۹۷). *مصاحبه با امام جماعت مسجد جمعه*. بوشهر: ۱۳۹۷/۶/۲۵

و مؤثر بوده‌اند. اما با وجود دخالت بعضی از مشایخ و علما آل عصفور نظیر شیخ حسن در بعضی از وقایع سیاسی بوشهر، تمایزها و تفاوت‌های اساسی در سرشت هرکدام از افراد این خاندان وجود داشته است. اکثر اعضای خاندان آل عصفور ضمن پرهیز از ورود به مسائل سیاسی، صرفاً به مشاغل علمی و مذهبی اشتغال داشته‌اند که این امر بیانگر تأثیر خصلت اخباری‌گری بر کنش سیاسی و اجتماعی خاندان آل عصفور بوده است.

منابع

- آقابزرگ طهرانی، محمدحسن. (۱۳۵۵). *الذریعة الی تصانیف الشیعة*. بی‌جا: مطبعة الغری.
- آل عصفور، شیخ حسین. (۱۳۷۹). *سداد العباد و رشاد العباد*. مقدمه شیخ محسن آل عصفور. قم: محلاتی.
- اسناد بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر. شماره سند ۴۷۶. ۸ برگ.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۶). *جغرافیای تاریخی دریای پارس*. تهران: انتشارات سوره.
- جی، بی، کلی. (۱۳۷۳). *هجوم انگلیس به جنوب ایران*. ترجمه حسن زنگنه. بوشهر: انتشارات علوی.
- حسینی فسائی، حاج میرزا حسن. (۱۳۶۷). *فارسانه ناصری*. تصحیح منصور رستگار فسائی. تهران: امیرکبیر.
- حمیدی، سیدجعفر. (۱۳۷۳). «بسترهای جغرافیایی قیام جنوب ایران». در *مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت هشتادمین سال شهادت رئیس‌علی دلواری*. بوشهر: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حمیدی، سیدجعفر. (۱۳۸۰). *فرهنگ‌نامه بوشهر*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خجسته، مصطفی. (۱۳۳۸). *بحرین در دو قرن اخیر*. شیراز: انتشارات موسوی.
- دشتی، احمد. (۱۳۷۸). *نگاهی به تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر*. بوشهر: نشر همسایه.
- سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی خان. (۲۰۱۵ م). *التدقیق فی سیر الطریق*. تصحیح احمد اقتداری. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.